

## سنگسار و بقیه‌ی قضا یا ...

### نادره افشاری

آن‌هایی که ادعا می‌کنند حکم سنگسار در متن قرآن وجود ندارد، و سنگسار از سنت اعراب قبل از اسلام به متن اسلام راه یافته است، ناشیانه فراموش می‌کنند که برای استخراج فروع دین و احکام قصاص و... قرآن تنها منبع مورد مراجعه‌ی اسلامیون نیست. رفتار، کردار و گفته‌های محمد، خود بخشی اساسی از زمینه‌های این احکام را تشکیل می‌دهد. به عنوان نمونه حج از همان قوانین جاری اعراب قبل از اسلام به متن احکام اسلامی راه یافته است. در همین راستا می‌توان از امام محمد غزالی قشری‌ترین شریعتمدار اسلام یاد کرد. جالب این که در تاریخ اسلام برای نخستین بار غزالی بود که عنوان حجت‌الاسلامی را یدک کشید. غزالی معتقد است که هیچ دلیل و منطقی برای انجام مراسم حج نمی‌یابد، اما چون انجام این مراسم را یک دستور دینی می‌یابد، آن را به جای می‌آورد. بد نیست یادآوری شود که حج یک سنت عرفی اعراب قبل از اسلام است و با این که بیشتر منطق تجاری داشته است تا دینی، اما بازهم به یکی از احکام اسلامی تبدیل شده است. برای آنانی که ممکن است آگاهی نداشته باشند، تاکید می‌کنم که روزه نیز یک سنت یهودی است و از شعائر یهودیان الگوبرداری شده است. قبله‌ی مسلمانان نیز تا قبل از تغییر جهت، همان قبله‌ی یهودیان بود. و اساسا سنت قبله داشتن و رو به سوی محل خاصی عبادت کردن هم از متن رسوم یهودیان به اسلام راه یافته است.

سنگسار و کشتار کسانی که خارج از ازدواج شرعی، به رابطه‌ای دست یازیده‌اند، نیز همین گونه از متن یهودیت که مادر قوانین حقوقی و جزایی اسلام است، به متن اسلام راه یافته است. در رابطه با حکم سنگسار نیز هر چند که در قرآن به آزار و شکنجه‌ی کسانی که خارج از ازدواج شرعی رابطه‌ی جنسی برقرار کرده‌اند، بسنده شده است، اما خود محمد نه تنها حکم سنگسار را روا دانسته، بلکه خود نیز این حکم را اجراء کرده است. بر اساس اولین آیه‌ی سوره‌ی نور باید زن و مرد زناکار را هر یک صد ضربه [شلاق] زدا! بعد هم برای تاکید بر قساوت بدون ترحم بر این افراد تاکید شده است که: اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، مبادا در حکم الله نسبت به آن دو [دو متهم] دچار ترحم شوید، و [البته] باید که به هنگام شکنجه کردنشان گروهی از مسلمان و مومنان [حتما] حضور داشته باشند. (آیه‌ی ۲ سوره‌ی نور)

در نهج‌الفصاحه که مجموعه‌ی سخنان قصار، خطبه‌ها و تمثیلات محمد است و توسط شادوران ابوالقاسم پاینده جمع آوری و ترجمه شده است، نیز بر این حکم تاکید شده است. در این

کتاب از قول محمد دست کم ۳۵ بار در رابطه با زنا و زناکاران سخن رفته و مجازات‌های سنگینی به ایشان بشارت داده شده است. در بخشی از آخرین خطبه‌ی محمد موسوم به حجه‌الوداع نیز این چنین بر اجرای حکم سنگسار پافشاری شده است:

ایهاالناس ان الله قد قسم لكل وارث نصيبه من الميراث ولا يجوز لوارث وطیته فی اکثر من الثلث و الولد للفراش و للعاهر الحجر...

ای مردم... طفل از بستر به وجود می‌آید، و نصیب زناکار، سنگ است... (بخشی از حجه‌الوداع محمد، البیان و تبیین نقل از نهج‌الفصاحه، مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت رسول‌الله اکرم (ص) انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ص ۸۳۰)

شیخ حسین علی منتظری که به دلیل مرتبه‌ی بالای فقهی‌ای که نزد متشرعین داشت و در سال‌های آغازین پای گرفتن حکومت اسلامی به عنوان جانشین بر حق سید روح‌الله خمینی مشخص شد، شوخمندانه در دعوای قدرت با مثلث شوم سید احمد خمینی، سید علی خامنه‌ای و شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی دچار زحمت شده، از راس هرم قدرت به پائین پرت شد. او نیز طی استفتایی که اخیراً از او در رابطه با توقف - و نه لغو - حکم سنگسار از سوی متشرعین در ایران شده است، بر جاویدان بودن این حکم پای فشرده. این فرد همچنین سنگسار را یک حکم اسلامی/قرآنی و سنت پیامبر و امامان شیعه شناخته و معرفی کرده است. منتظری در رساله‌ی عملیه‌اش که در سایت اینترنتی شخصی‌اش در رابطه با سنگسار درج شده است، در رابطه با سنگسار چنین دیدگاهی دارد:

مرد زناکار و محصن را برای سنگسار تا کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودالی دفن

می‌نمایند. (رساله‌ی شماره‌ی ۳۱۶۹ از رساله‌ی عملیه‌ی شیخ حسین علی منتظری)

سید محمود طالقانی نیز که یکی از مراجع مسلم تشیع و یکی از ملایان باصطلاح مدرن و

غیرقشری معاصر ایران است و در سال ۱۳۴۰ همراه با مهدی بازرگان و یدالله سجابی نهضت مذهبی آزادی را تاسیس کرد، در جلد چهارم کتاب پرتوی از قرآنش بر همین حکم تاکید می‌کند:

[در] خانه نگه داشتن زنی که دچار انحراف شده، تا اصلاح شود، مرحله‌ی ابتدایی [اجرای

حکم سنگسار] است. و باید پنهان باشد. و اگر [این اتهام] آشکار و علنی اثبات شد، باید در دیدگاه عمومی (ملاء عام) حد تازیانه (جلد) یا سنگسار (رجم) اجراء شود. (پرتوی از قرآن، جلد چهارم،

سید محمود طالقانی، ص ۱۰۸)

لازم به تاکید است که سید محمود طالقانی همچنان به عنوان ملایی میانه رو و متمدن از

سوی جریان مذهبی/ملی عنوان می‌شود. تمام حکم‌های فقهی و جزایی و حقوقی او هم در رابطه با زنان و دگراندیشان و دیگر نابرابری‌های اسلامی نیز از سوی جریان قشری مذهبی مجاهدین خلق

تاکید و تأیید شده است. برای نمایش دیدگاه عقب افتاده و ضد انسانی پدر طالقانی بد نیست به تفسیر سوره‌ی حمد او نگاه کنیم:

در روایات مغضوب علیهم تطبیق بر یهود شده، و ضالین بر نصاری. با توجه به وضع روحی و اخلاقی یهود و نصاری، اینان مصداق واضح‌اند؛ زیرا طرز تفکر عمومی یهود، سرپیچی از حق و کمال است. یهود از جهت تربیت نژادی و غرور دینی، جهان و مردم جهان را مال و ملک خود می‌داند و چنین معتقد است که خدا، خدای یهود و دنیا از آن یهود، و مردم آن بردگان یهود و سرای جاویدان برای یهود است. (پرتوی از قرآن، جلد اول، آیت‌الله سید محمود طالقانی، ص ۴۲)

و در تفسیری دیگر: (به) راستی، کفر و سرپیچی یهود از اسلام، منشاء پراکندگی و سرگردانی مردم دنیا گردید. (همانجا، ص ۱۴۰)

متأسفانه ما مسلمانانی را می‌شناسیم که به دلیل دگماتیسم موجود در دیدگاه‌هاشان، به چیزی معتقدند که آن را نمی‌شناسند و به چیزی حمله می‌کنند که آن را هم نمی‌شناسند. انگار وظیفه‌شان این است که هر گاه با متن آگاهی بخشی در این رابطه‌ها برخوردند، دوان دوان با سلاح انگ و تهمت و افتراء به میدان بشتابند - و حتا اگر توانستند با حذف فیزیکی - آن صدا و صداهای همانند را خاموش کنند؛ چرا که در باور ایشان، آگاهی بر کاستی‌های این دیدگاه‌ها ضربه‌ای بر تقدیس باورهای مردم است. بد نیست به عقیده‌ای باور داشته باشیم که آن را می‌شناسیم و به باوری حمله کنیم که آن را هم می‌شناسیم!